



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفتم گفت

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	گفتم گفت
۶	مشخصات کتاب
۶	دیباچه
۱۴	مقدمه
۱۶	کدام قرآن؟
۲۲	مهر سجود
۲۸	مرز توحید و شرک
۳۲	بهبانه تهمت (توسل)
۳۴	توسل
۳۸	تبرک
۴۲	بوسیدن
۴۶	سلمان محمدی
۵۰	برائت از مشرکان
۵۴	درباره مرکز

گفتم گفت**مشخصات کتاب**

سرشناسه : محدثی، جواد، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور : گفتم گفت /مؤلف جواد محدثی.
مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری : ۴۸ص.
شابک : ۳۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۵۸-۵
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : خودسازی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع : خودشناسی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع : خداجویی -- احادیث
رده بندی کنگره : BP۲۵۰/م۳گک ۱۳۸۹ ۷
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳
شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۰۳۳۳۸
ص: ۱

دیباچه

ص: ۲

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الذين اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا
يكي از دستورات خداوند در قرآن برای دعوت ديگران به حق، بحث علمي و دعوت به ارايه دليل و برهان و جدال احسن است. اما
زائر سرزمين وحى، گاه با برخوردهاي روبه‌رو مي‌شود كه نه با چنين دستوري موافقت دارد و نه با سنت و سيره رسول خدا (ص) و
اهل بيت او و عالمان امت، هماهنگ است.
در جاي جاي سفر حج، زائر بيت الله با كساني مواجه مي‌شود كه برچسب شرك و تكفير را در دست دارند و بسيار سهل و آسان،
آن را به ديگران حوالت مي‌دهند. اينان به جاي جدال احسن و دليل و برهان، از تهمت و افترا كمك مي‌گيرند و هر عقيده‌اي را كه
با مرامشان ن سازد، به شرك و كفر و بدعت متهم مي‌سازند. اگرچه

ص: ۸

مواجهه با اینان، همیشه مناسب نیست، اما چه بسا عمل به دستور قرآن و یادآوری آن، وجدان خفته برخی از آنان را بیدار کند. آنچه در این جزوه ارائه می‌گردد، نمونه‌هایی از دو نوع عملکرد است که حضرت حجت الاسلام و المسلمین استاد جواد محدثی با قلمی شیوا و روان عرضه داشته‌اند. امید است برای عموم زائران و حاجیان، مفید باشد.

انه ولی التوفیق

گروه کلام و معارف

مرکز تحقیقات حج

ص: ۹

مقدمه

اعتقادات و فقه و آداب و سنن شیعی، ریشه در محکم‌ترین منابع دارد و از زلال‌ترین سرچشمه‌های معرفت و شرع، یعنی قرآن و سنت و تعالیم و سیره پیامبر اکرم و ائمه معصومین: سرچشمه گرفته است.

با این حال، از دیرباز تاکنون، عده‌ای از روی غرض و دشمنی و گروهی به سبب جهل و بی‌خبری، بدترین دروغ‌ها و تهمت‌ها را به شیعه زده‌اند و تا آنجا پیش رفته‌اند که پیروان اهل بیت را به شرک نسبت داده‌اند. علمای بزرگ ما نیز از همان قرن‌های نخستین تا عصر حاضر به صورت‌های مختلف به دفاع از عقاید شیعی و پاسخ به شبهات و ردّ دروغ‌ها و تهمت‌ها پرداخته‌اند و با تألیف کتاب‌های گوناگون به سبک‌های مختلف، پیروان خاندان رسالت را در دفاع از معتقدات و فرهنگ خود، راهنمایی و پشتیبانی کرده‌اند.

بر هر فرد شیعه ضروری است تا نسبت به باورهای ناب خود آگاهی کامل داشته باشد و بتواند همیشه به

ص: ۱۰

خصوص در برخورد با مخالفان فکری و شبهه‌افکنان و وهابیان و وهابیت‌زدگان، از عقاید و خط عملی و برنامه‌های دینی خود دفاع کند و با شیوه «جدال احسن» و مناظره منطقی و دور از هتاک و اهانت و عصبانیت و با تکیه به منابع معتبر و دلایل استوار عقلی و نقلی، حق را روشن سازد و شبهه را بزدايد و مشت شبهه‌افکنان را باز کند.

زائران عزیز، در سفر حج و عمره پیوسته با کسانی مواجه می‌شوند که چه به صورت گفتار شفاهی یا توزیع نشریات و جزوات، شیعه را مورد تهاجم و تهمت قرار می‌دهند و اگر زائران، مجهز و مسلح به بینش و منطق و دلیل و برهان نباشند، چه بسا تبلیغات سوء آنان، در دل‌ها تردید و شبهه پدید آورد.

آنچه می‌خوانید، در قالب گفت‌وگو و ترسیم صحنه‌های برخورد میان دو طرف، به تبیین برخی از مفاهیم اعتقادی و پاسخ به بعضی از شبهات مطرح در مورد زیارت، توسل، تبرک، شفاعت و ... می‌پردازد. سعی شده این نکات، با قلمی روان و استدلالی روشن و همه فهم عنوان شود.

به امید آنکه خوانندگان محترم و زائران عزیز را مفید افتد.

جواد محدثی

بهمن ۸۸

ص: ۱۱

کدام قرآن؟

در فرودگاه جده، ساک‌ها و وسایلمان را می‌گشتند.
قرآنی همراه داشتم که آن را هم در کنار بعضی کتاب‌های دعا و مربوط به حج از من گرفتند.
گفتم: قرآن را دیگر چرا گرفتی؟ این هم ممنوع است؟
گفت: در حرمین شریفین، تا دلت بخواهد قرآن وجود دارد. بر می‌داری و از روی آنها می‌خوانی.
گفتم: این قرآن شخصی خودم است، می‌خواهم همیشه همراه داشته باشم و در مسجد و مسیر و محل اقامت تلاوت کنم.
گفت: قرآن شما با قرآن ما فرق دارد.

ص: ۱۲

گفتم: سبحان الله! قرآن ما و شما ندارد. قرآن همه مسلمانان در سراسر جهان یکی است و هیچ تفاوتی ندارد. قبول نداری تطبیق کن. حتی یک کلمه و یک زیر و زبر هم با قرآن شما فرق ندارد. اصلاً به خط همان «عثمان طه» است که خطاط قرآن‌های شماست. گفت: شما شیعه‌ها قرآن دیگری دارید. شما عقیده دارید که قرآن تحریف شده و این، همان قرآنی نیست که بر پیامبر نازل شده است.

گفتم: این تهمت و دروغ است. چه کسی این را گفته است؟ ما معتقدیم که هیچ تحریف و کم و زیادی در قرآن پیش نیامده است. اصلاً مگر می‌شود گفت که قرآن تحریف شده؟ اولاً خود قرآن از زبان خداوند می‌فرماید: ما قرآن را نازل کردیم و خودمان آن را حفظ می‌کنیم. (۱) ثانیاً اصحاب پیامبر و حافظان قرآن در صدر اسلام آن قدر نسبت به این کتاب آسمانی حساس بودند که در یک مورد در زمان خلیفه سوم بر سر بودن

۱- حجر: ۹.

ص: ۱۳

یا نبودن یک «واو» در اول یک آیه (۱)، نزدیک بود کسانی دست به شمشیر ببرند تا کسی «واو» را حذف نکنند. عقیده علمای شیعه این است که قرآن مصون از تحریف است. در کتاب‌های فضل بن شاذان، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، مرحوم طبرسی، علامه حلی و ... که همه از بزرگان شیعه‌اند، این عقیده رسماً اعلام شده است. ممکن است گوشه و کنار، بعضی مطالبی گفته باشند که بوی تحریف از آن به مشام آید، ولی آن را نمی‌توان به حساب شیعه گذاشت. چه امامان ما و چه علمای بزرگ ما و چه عموم شیعه، عقیده‌شان بر عدم تحریف قرآن است.

گفت: شما معتقدید که غیر از این قرآن، قرآن‌های دیگری هم بوده است.

گفتم: اصلاً و ابداً چنین چیزی نیست.

گفت: پس مصحف علی و فاطمه چیست؟

گفتم: مصحف علی (ع) نسخه‌ای از قرآن بوده

۱- وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ توبه: ۳۴.

ص: ۱۴

که متن آن با این قرآن تفاوتی نداشته، بلکه در دورانی که آن حضرت پس از سقیفه خانه نشین شد، دست به گردآوری سوره‌های نازل شده زد. کلّ قرآن را به هفت بخش تقسیم کرده بود و ترتیب سوره‌ها متفاوت بود و متن آن هیچ تفاوتی با آیات و سوره‌های قرآن موجود نداشت. اما مصحف فاطمه (ع) قرآن نبود. اصلاً معنای مصحف یعنی نوشته شده، کتاب، طبق روایات فراوان، پس از رحلت پیامبر خدا (ص) جبرئیل برای تسلیت به حضرت فاطمه نازل می‌شد و از مقام و جایگاه آن حضرت نزد خدا و از حوادث آینده و آنچه بر ذریه او پیش خواهد آمد مطالبی می‌گفت. حضرت فاطمه (س) آنها را بازگویی می‌کرد و علی (ع) می‌نوشت. این است ماجرای مصحف فاطمه. شگفتا که عده‌ای همین را عَلم می‌کنند و می‌گویند شیعه، قرآن دیگری دارد که نامش «مصحف فاطمه» است! این بهتان از بی‌خبری سرچشمه می‌گیرد.

مأمور فرودگاه وقتی این توضیحات را شنید، به فکر فرو رفت.

ص: ۱۵

گفتم: در کشور ما عده زیادی حافظ قرآنند و قاریان ما در مسابقات بین‌المللی حفظ و قرائت شرکت می‌کنند و رتبه می‌آورند، در حالی که داوران متعدد، ناظر اجرای مسابقات‌اند. اگر قرآن ما متفاوت بود، چطور قاری ما نفر اول این مسابقات می‌شود؟ ناچار قرآن مرا پس داد و عذرخواهی کرد.

و من افسوس خوردم که چگونه این گونه تهمت‌ها و نسبت‌های دروغ و بی‌اساس، در اعماق فکر اینها نفوذ کرده و باور کرده‌اند!

ص: ۱۷

مهر سجود

دنبال جایی می‌گشتم که فرش نباشد و بتوانم بر سنگ فرش مسجدالنبی سجده کنم. در صف جلو روی فرش‌ها جا بود، ولی یک جای خالی روی سنگ‌های مرمر پیدا کردم و همان‌جا به نماز ایستادم.

کنارم یک مصری نشسته بود. گفت:

شما ایرانی‌ها چرا روی فرش سجده نمی‌کنید؟

گفتم: بزرگان دین ما، طبق روایات نقل شده از امامان شیعه، جایز نمی‌دانند که بر غیر زمین سجده کنیم. این روش با سنت پیامبر

(ص) و سخن آن حضرت نیز هماهنگ است. پیامبر (ص) فرموده است که «زمین، برای من سجده‌گاه قرار داده شده است». این

حدیث در کتب اهل سنت هم

ص: ۱۸

آمده است. (۱) گفت: شنیده‌ام شما همراه خود چیزی به نام «مهر» دارید که هنگام نماز، به آن سجده می‌کنید.

گفتم: درست است، سجده بر خاک را بهتر می‌دانیم، و گرنه سجده بر شن و سنگریزه و چوب و حصیر و سنگ هم جایز است.

گفت: مهرهای شما به صورت‌های مختلف است، گرد، چهار گوش، مستطیل و دارای نقش و نگار. با اینکه سجده جز برای خدا جایز نیست، شما در برابر این مهرها سجده می‌کنید.

گفتم: سجود ما برای خداست و بر روی مهر، نه آنکه، در برابر مهر سجده کنیم. یاد حرف یکی از زوّار خانه خدا افتادم که

می‌گفت: یک بار یکی از مأموران سعودی به من گفت: شما مشرک هستید و بت پرست، من در خانه خودم انواع مختلفی از

بت‌های شما را جمع‌آوری کرده‌ام، بت‌هایی که در جیب خود یا سجاده‌هایتان

۱- «جُعِلت لی الأَرْضُ مسجداً وَطَهوراً» صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۱.

ص: ۱۹

می‌گذارید و بر آن سجده می‌کنید. او نمی‌داندست که این مهرها بت نیست، بلکه یک قطعه فراهم شده از خاک زمین است و چون همیشه انسان دسترسی به خاک پاک ندارد، مهر را برای همین منظور تهیه می‌کند.

به علاوه، ما مُهرپرست نیستیم، ما خدا را می‌پرستیم و سجده ما در مقابل خداست، ولی پیشانی بر مُهر می‌گذاریم تا خاکساری و خضوع خود را نشان دهیم. ما نسبت به مُهر خضوع نمی‌کنیم، بلکه خضوعمان در برابر خداست همان‌طور که شما بر روی فرش پیشانی می‌گذارید سجده شما برای فرش نیست.

گفت: آیا کار شما بدعت نیست؟ مگر پیامبر بر مهر سجده می‌کرد؟

گفتم: رسول خدا (ص) و اصحاب او بر خاک سجده می‌کردند. زمین مسجد، خاکی یا ریگزار بود. گاهی که هوا گرم بود و سنگریزه‌ها داغ می‌شد و آزاردهنده، برخی هنگام سجده، گوشه لباس یا دستار خود را بر زمین پهن می‌کردند و بر آن سجده می‌کردند تا گرمای زمین اذیتشان

ص: ۲۰

نکنند، ولی باز هم دستور آمد که چنان نکنند. برخی با دست‌هایشان زمین را خنک می‌کردند، یا بر حصیر و بوریا پیشانی می‌گذاشتند. پیامبر خدا روزی صُهب را دید که هنگام سجده گویا از نهادن پیشانی بر خاک پرهیز داشت. فرمود: ای صُهب! چهره‌ات را بر خاک بگذار. (۱) روایت شده هرگاه آن حضرت سجده می‌کرد، عمامه را از پیشانی خود کنار می‌زد تا صورت بر روی زمین قرار گیرد. (۲) خلاصه آنکه ما مهر را سجده نمی‌کنیم، بلکه بر مهر سجده می‌کنیم و سجده ما برای خدا و در پیشگاه اوست.

گفت: پس چرا بر خاک؟ شنیده‌ام بر خاک کربلا هم سجده می‌کنید.

گفتم: سجده بر خاک، نشان خاکی بودن و فروتنی است. اگر بنا باشد بر خوراکی و پوشاکی و سنگ‌های گران‌قیمت و جواهرات سجده درست

۱- کنز العمال، ج ۷، ص ۴۶۵.

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۵۱.

ص: ۲۱

باشد، هر کس سعی می‌کند اشیای نفیس‌تر و گران‌قیمت‌تری انتخاب کند و این با اصلِ خضوع و فروتنی ناسازگار است. اما سجده بر تربت امام حسین (ع) و خاک کربلا، برای یادآوری فداکاری و جان‌فشانی آن پیشوای مجاهد در راه خداست. امام حسین (ع) و یارانش در یک جهاد مقدس برای احیای دین خدا و سنت پیامبر، جان خود را فدا کردند. سجده بر تربت او، گرامی داشت آن مجاهدت‌هاست و این مستحب است.

ص: ۲۳

مرز توحید و شرک

از بقیع بیرون آمده بودم، پرسید:

حاجی! «مای جوز» یعنی چه؟

گفتم: کجا نوشته؟ عربی یا انگلیسی؟

گفت: همین که این مأموران در بقیع و حرم، مرتب به زائران می‌گویند: «مای جوز، مای جوز».

گفتم: «مایجوز»؛ یعنی جائز نیست، حرام است. اینها همین که می‌بینند یک زائر، کنار یک قبر، دست به دعا بلند می‌کند، یا به جایی

دست می‌کشد و می‌بوسد، می‌گویند حرام است، شرک است.

گفت: بی‌خود می‌گویند، این دفعه اگر به من چنین بگویند، من به آنان می‌گویم: «نخیر، یجوز.»

گفتم: تو که عربی بلد نیستی، بهتر است

ص: ۲۴

با آنان بحث نکنی. تازه، اینها که به خرجشان نمی‌رود. یک سری چیزهایی به مغز اینها وارد کرده‌اند، اینها هم طوطی‌وار تکرار می‌کنند.

گفت: حالا اگر بخواهم با یکی‌شان بحث کنم، چی بگم؟ خیلی صاف و پوست کنده!

گفتم: یک وقت، یکی از دوستان حرف جالبی به اینها زده بود. وقتی مأمور می‌گفت که بوسیدن ضریح و دیوار و ... شرک است و توجه به غیر خداست، آن دوست به او گفته بود: «آیا تا به حال بچه‌هایت را بوسیده‌ای؟» گفته بود: آری! دوست ما گفته بود: «پس تو هم مشرک شده‌ای!»

گفت: یعنی اینها حرف به این سادگی را نمی‌فهمند؟

گفتم: اینها خیال می‌کنند ما در و دیوار و ضریح و قبر را می‌پرستیم. در صورتی که ما به صاحب قبر علاقه داریم. محبت ما سبب می‌شود که به هر چه وابسته به محبوب ما باشد، عشق بورزیم. این کجایش شرک است؟

ص: ۲۵

گفت: بوسیدن فرزند، البته با بوسیدن در و دیوار فرق دارد.

گفتم: «حجرالاسود» را چه می‌گویی، که بوسیدنش مستحب است. خود پیامبر هم آن را بوسیده است. نه بابا، اینها سوراخ دعا را گم کرده‌اند.

ص: ۲۷

بهانه تهمت (توسل)

در «حجر اسماعیل» نشسته بود و زار زار گریه می کرد و با صدای بلند فریاد می زد: «یا اباالفضل ...».

گفتم: چرا خدای اباالفضل را صدا نمی زنی؟ اینجا خانه خداست.

گفت: اباالفضل، باب الحوائج است، حاجت می دهد.

گفتم: حاجت دهنده، خداست. اولیا و ائمه، واسطه و شفیعند.

گفت: من هم به همین جهت، قمر بنی هاشم را صدا می زنم.

گفتم: لااقل، مراعات مصلحت کن. اینها از همین کارهای ما سوژه تبلیغاتی پیدا می کنند و به ما نسبت شرک می دهند و می گویند:

کنار کعبه و بیت الله هم، غیر خدا را صدا می زنند.

ص: ۲۸

گفت: ما هر چه داریم، از ائمه است.

گفتم: بر منکرش لعنت. ما که هیچ، همه عالم طفیل وجود این انوار پاکند، ولی چه ربطی به حرف ما دارد؟

من می گویم طواف، عالی ترین مظهر نشان دادن توحید و توجه به خداست. چرا نام و یاد خدا را تکرار نکنیم؟ یک شیعه لبنانی را دیدم که از حفظ، فرازهای عرفانی و عاشقانه دعای کمیل را در طواف می خواند.

گفت: من حتی در طواف هم نام امام‌ها را تکرار می کنم تا شک نکنم.

گفتم: آیا واقعاً ائمه معصوم، آن هم فقط هفت امام اول، برای این هستند که با نامشان عدد طواف‌های خود را بشماریم؟ این بی معرفتی نسبت به مقام امامان است.

گفت: مگر نباید ما به اهل بیت، متوسل شویم؟

گفتم: بحث توسل جداست. می گویم بهانه دست اینها ندهیم. اگر هم نام مبارک ائمه را تکرار می کنی، لااقل آهسته، نه با فریاد، تا تهمت به ما نزنند.

ص: ۲۹

توسل

در حرم پیامبر (ص) بودم. رو به ضریح نبوی کردم که دعا و زیارت بخوانم. یکی از مأموران «توجیه و ارشاد» حرم گفت: رو به قبله بایست و نماز بخوان. دعا و حاجت خواستن از غیر خدا شرک است و حرام. گفتم: من که از رسول الله حاجت نمی‌خواهم، از خدا حاجت می‌طلبم. گفت: پس چرا رو به قبر پیامبر می‌کنی و دعا می‌خوانی؟ گفتم: چون من گناه کارم، ولی رسول الله نزد خداوند آبرو دارد. او را واسطه و شفیع قرار می‌دهم. گفت: حرام است. اگر غیر خدا را بخوانی شرک است. گفتم: در قرآن است که

ص: ۳۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ «به درگاه خداوند، وسیله بجویید.» (مائده: ۳۵)

توسل و واسطه جستن به درگاه الهی، چیزی است که دستور خود پروردگار است.

گفت: وسیله نزد پروردگار، همین دعا و نماز است؛ یعنی نماز بخوانید تا به خدا نزدیک شوید.

گفتم: به نظر شما اگر گناه کاری برای بخشایش گناهانش از یک انسان مقرب و آبرومند در درگاه خدا بخواهد که او برای این گناه کار، آمرزش بطلبد، این هم نوعی توسل و شفیع طلبی است. آیا این را حرام می‌دانید؟

گفت: حرام! شرک!

گفتم: عجب، پس این آیه قرآن را چه می‌گویید که می‌فرماید:

(نساء: ۶۴)

اگر آنان که به خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌طلبیدند و پیامبر هم برای آنان آمرزش می‌طلبید، خدا

ص: ۳۱

را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

پس اگر برای آمرزش، از دعا و خواسته پیامبر کمک بگیرند، آمرزیده می‌شوند. کجای این شرک و حرام است؟

داستان «ابولبابه» که به خاطر تخلفش خود را به این «ستون توبه» بست، مگر غیر از این است؟ (۱) آ

وقتی به رسول خدا خبر دادند که ابولبابه به مسجدالنبی رفته و خود را به این ستون و استوانه بسته تا خدا از خطای او درگذرد، حضرت فرمود: اگر ابولبابه مستقیماً نزد من آمده بود و تقاضای عفو می‌کرد، تاکنون بخشیده شده بود. ولی چون به خانه خدا رفته، باید منتظر امر الهی بود. (۲)

۱- ابولبابه از اصحاب بدری رسول خدا (ص) بود. او واسطه بین رسول خدا (ص) و یهود بنی قریظه شد تا حکم باشد. آنان از وی پرسیدند: نظرت درباره تسلیم شدن در برابر محمد (ص) چیست؟ ابولبابه به حلق خود اشاره نمود؛ یعنی اگر تسلیم شوید، گردن زده می‌شوید. ابولبابه بعد این ماجرا پشیمان شد و به مسجدالنبی آمد و خود را به ستون بست تا خدا توبه‌اش را بپذیرد و خداوند نیز پس از چند روز توبه‌اش را پذیرفت.

۲- ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۴، ص ۱۳۷.

ص: ۳۲

گفت: آنچه شما انجام می‌دهید، غیر از داستان ابولبابه است. شما برای برآورده شدن حاجت‌های خود نیز به غیر خدا متوسل می‌شوید.

گفتم: عمل صحابه را تأیید می‌کنید؟

گفت: آری. سیره صحابه برای ما حجت است.

گفتم: متأسفانه شما از تاریخ و سیره هم اطلاعی ندارید. در کتاب «صحیح بخاری» که از کتب معتبر شماسه، نقل شده که عمر بن خطاب وقتی قحطی پیش می‌آمد، به وسیله عباس عموی پیامبر از خدا طلب باران می‌کرد و می‌گفت: خدایا! هر وقت دچار قحطی و بی‌آبی می‌شدیم به وسیله پیامبران به تو متوسل می‌شدیم و ما را سیراب می‌کردی، امروز هم به وسیله عموی پیغمبران به تو متوسل می‌شویم، ما را سیراب کن. راوی گفت: «باران هم می‌آمد.» (۱) البته حرفی نداشت که در پاسخ بگوید ...
و من هنگام برگشت، چشمم به صفت «صاحب الشفاعه» افتاد که در ردیف اوصاف رسول خدا (ص) بر دیوار داخلی مسجدالنبی نوشته

بود. در فکر بودم که برای این، چه جوابی دارند؟!

۱- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۶، بیروت، دارالنصر.

ص: ۳۳

تبرک

خواستم دستی به محفظه شیشه‌ای که جای پای ابراهیم (مقام ابراهیم) را در خود دارد، بکشم، مأمور نگهبان به شدت مرا به عقب راند.

گفتم: چرا مانع می‌شوی، مگر دست کشیدن یا بوسیدن به عنوان تبرک اشکالی دارد؟

گفت: حرام است. اینها بی‌خاصیتند.

خواستم بحث کنم، مرا به مبلغی که روی صندلی «الوعظ و الارشاد» نشسته بود، ارجاع داد.

نزد او رفتم و همان سؤال را مطرح کردم.

گفت: تبرک حرام است.

گفتم: به نظر شما چه اشکالی دارد کسی از پارچه کعبه بردارد؟ [\(۱\)](#)

۱- این مسأله تنها به منظور تسهیل در فهم مطلب از سوی مخاطب مورد اشاره و احتجاج قرار گرفته است.

ص: ۳۴

گفت: پوشش کعبه، پارچه‌ای بیش نیست، چرا به آن تبرک می‌جوئید؟ بین لباس من و پارچه کعبه چه فرق است؟
گفتم: اگر فرقی نبود، از لباس تو هم می‌کنند تا یادگاری با خود داشته باشند. چرا از لباس تو تبرک نمی‌برند؟
به‌علاوه، اگر پرده کعبه قداست و برکت ندارد، چرا متولیان حرم پس از تعویض پرده، پرده قبلی کعبه را به قطعات کوچکی تقسیم می‌کنند و به‌عنوان هدیه، به رؤسا و سران ممالک یا شخصیت‌های مهمان می‌دهند؟
گفت: تنها برای یادگاری است، و الا خاصیت دیگری ندارد.
گفتم: اگر بی‌خاصیت است، چرا رسول خدا (ص) پیراهنی را که در آن نماز خوانده بود، پس از فوت «فاطمه بنت اسد» بر پیکر او پوشاند و کفن کرد تا او را از فشارهای قبر حفظ کند؟ (۱)

۱- هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۵۶، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ص: ۳۵

مگر نه اینکه شما هر چیز را تنها در صورتی که «عمل پیامبر» باشد، سنت و مجاز می‌دانید؟
گفت: چرا، همین طور است.

گفتم: همه علمای شما گفته‌اند و در روایات هم هست که لمس حجرالاسود و بوسیدن آن جایز، بلکه مستحب است. حتی نقل کرده‌اند که رسول خدا (ص) هم حجرالاسود را بوسید و لمس کرد. (۱) این کار، غیر از تبرک جستن به یک شیء مقدس، چیست؟ در صحیح بخاری روایت شده از زیدبن اسلم و او از پدرش که گفته است: دیدم عمر بن خطاب، حجرالاسود را بوسید و گفت: اگر نه این بود که دیدم پیغمبر تو را بوسید، تو را نمی‌بوسیدم. (۲) دست کشیدن به دیوار و پرده کعبه یا لمس و بوسه بر مقام ابراهیم، چه فرقی با آن کار

۱- احمد درویش، فتاویٰ لجنة الدائمہ، ج ۱۱، ص ۲۲۸.

۲- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۶۰، باب ما ذکر فی الحجرالاسود.

ص: ۳۶

رسول خدا (ص) دارد؟

هر دو مشروع است. چرا این شرک باشد و آن توحید؟ آیا شما العیاذ بالله حاضرید نسبت شرک به رسول الله (ص) بدهید؟
صدای اذان، بهانه خوبی برای ختم این گفت‌وگو بود ...

ص: ۳۷

بوسیدن

می خواستم از در مسجد الحرام وارد شوم که دیدم زن سیاه پوست، «باب السلام» را بوسید. مأمور، چنان بر سر او زد که دلم برایش سوخت.

گفتم: برادر! او مهمان خداست، چرا به میهمان خدا بی احترامی می کنی؟

گفت: کاری که می کند، شرک و حرام است!

گفتم: چرا؟ ... آیا فکر می کنی که انسان با بوسیدن در، مشرک می شود؟

گفت: کجایی هستی؟

گفتم: ایرانی!

گفت: از حقیقت دورید و کارهایتان شرک آلود است!

گفتم: چطور جرأت می کنی ما را که از راه دور، به عشق خدا و رسول و برای حج آمده ایم،

ص: ۳۸

مشرک بدانی؟ کجا مشرک، برای عبادت به مرکز توحید می‌آید؟ مگر مرز توحید و شرک دست شماست که هر که را بخواهید مشرک می‌دانید؟

گفت: در و دیوار، از سنگ و چوب است. چه قداستی دارد که می‌بوسید؟

گفتم: برادر! ... آیا تو در منزل، فرزندت را نمی‌بوسی؟

گفت: البته، چرا که نه!

گفتم: مگر فرزند تو مقدس است که می‌بوسی؟

گفت: از روی علاقه می‌بوسم.

گفتم: احسنت! این بوسیدن هم از روی علاقه و احترام است. ما به خدا و خانه‌اش علاقه داریم و به خاطر این محبت، در و دیوارش را می‌بوسیم. عشق و علاقه به یک شخص، سبب می‌شود انسان، هرچیز مربوط به او را ببوسد و احترام کند. چون برایش خاطره‌انگیز و لذت‌بخش است. ما سال‌ها آرزو داشته‌ایم که به اینجا برسیم و در و دیوار خانه خدا را غرق در بوسه و اشک کنیم. این نشانه عاطفه و عشق ماست ...

در همین حال، حاجی پاکستانی دیگری دست

ص: ۳۹

به حلقه در گرفت و شروع به بوسیدن و لمس کرد که مأمور، روی برگرداند تا او را از این عمل «مشرکانه»! منع کند. من داخل حرم شدم. قرآنی برداشته در یکی از رواق‌ها روبه‌روی کعبه به تلاوت مشغول شدم. آن‌گاه آن را کنار گذاشته، به نماز پرداختم. یکی از مأموران ارشاد آمد و با عصبانیت فرمان داد که قرآن را بردارم و در قفسه بگذارم و بدون مهلت، خودش خم شد و قرآن را برداشته، بوسید و در قفسه گذاشت.

گفتم: حاجی، شرک، حرام! اینکه کاغذ و ورق است، چرا می‌بوسی؟

گفت: درست است که کاغذ است، ولی «کلام الله» بر آن نوشته شده است.

گفتم: وقتی کاغذ، با نوشتن آیات خدا قداست و حرمت پیدا می‌کند، سنگ و چوب و آهن و شیشه هم به خاطر انتساب به خدا و رسول، مقدس و محترم می‌شود. و الا چرا مردم، آهن و شیشه‌های مغازه‌ها را نمی‌بوسند؟ این بوسه که شما آن را شرک می‌پندارید، نشانه علاقه قلبی به خدا و رسول است. شرک وقتی است که اینها را

ص: ۴۰

پیرستیم. اگر کسی در و دیوار و سنگ و چوب را پیرستد، ما هم او را مشرک می‌دانیم.
گفت: در سنت، دلیلی بر این گونه بوسیدن و تبرک نداریم.

گفتم: اتفاقاً داریم. در کتاب‌های شما هم (مثل صحیح بخاری) در واقعه صلح حدیبیه نوشته است: وقتی رسول خدا (ص) وضو می‌گرفت، صحابه برای گرفتن قطرات وضویش با هم نزاع می‌کردند. (۱) همچنین در «صحیح مسلم» از انس نقل شده که گفت: رسول خدا (ص) را دیدم که سر می‌تراشید و اصحاب آن حضرت، اطراف او را گرفته بودند و هر مویش در دست یکی از آنان بود. (۲) با اینکه رسول خدا (ص) می‌دید، ولی آنان را نهی نمی‌کرد. شما که عمل اصحاب را حجت و سند می‌دانید.

گفت: اینها را نشنیده بودم.

گفتم: کاش، کمی مطالعه می‌کردی!

۱- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۷۰.

۲- صحیح مسلم، ج ۷، ص ۷۹، بیروت، دارالفکر.

ص: ۴۱

سلمان مومّدی

از کتاب فروشی نزدیک مسجدالحرام، سراغ «سفینه البحار» را گرفتم.

گفت: چنین کتابی را ندیده‌ام! از کیست؟

گفتم: از محدّث قمی، درباره احادیث اهل بیت (علیهم السلام) است.

گفت: کتاب حدیث از ائمه اهل سنت و جماعت، هر چه بخواهی داریم؛ صحیح بخاری، سنن بیهقی و ...

گفتم: ما در ایران، در کتاب فروشی‌ها و کتاب خانه‌هایمان، به وفور، کتاب‌های شما را داریم. هم مطالعه می‌شود و هم خرید و

فروش. شما چطور از کتب شیعه هیچ ندارید؟

گفت: ما کتاب‌های مجوسیان را توزیع نمی‌کنیم.

ص: ۴۲

من که انتظار چنین سخنی را از یک فرد آشنا به کتاب نداشتم، گفتم: اعتقاد و دین، مربوط به کشور و شهر خاصی نیست، به صرف ایرانی بودن نمی‌توان کسی را مجوس دانست. درست است که ایران، قبل از اسلام دین زردشتی داشت، ولی ایرانیان از آئین حضرت رسول (ص) استقبال کردند و از مسلمانانِ راستین شدند. از جمله سلمانِ فارسی که از ایران بود. گفت: پیامبر (ص) او را «سلمان محمدی» خطاب کرد.

گفتم: این از شدت ایمان و به خاطر فضیلت بسیار و قرب سلمان به حضرت رسول (ص) بود.

گفت: ایرانی مجوس است.

گفتم: اولاً: ما مسلمانیم و از ایران برای زیارت خانه خدا و مرقد مطهر پیامبر (ص) آمده‌ایم. مجوسی‌ها کجا به حج می‌آیند؟ ثانیاً: بسیاری از دانشمندان بزرگ اهل سنت، ایرانی بوده‌اند؛ مثلاً بعضی از نویسندگان صحاح و سنن شما، مثل بیهقی، بخاری، ترمذی، نسائی، ابن ماجه و ... ایرانی هستند.

ص: ۴۳

ابوحنیفه، پیشوای مذهب حنفی، ایرانی است. مفسران مشهوری چون طبری، زمخشری، فخر رازی و ... همه ایرانی بودند. اگر صرف ایرانی بودن دلیل بر مجوسیت است، پس باید این علما هم مجوسی باشند! صدای اذان برخاست، خداحافظی کردم و به طرف مسجدالحرام روانه شدم.

ص: ۴۵

برائت از مشرکان

راننده تاکسی وقتی دید ایرانی هستم، پرسید:

امسال هم «مراسم برائت» دارید؟

گفتم: البته، این را جزء روح حج می دانیم.

گفت: این یک بدعت است که شما ایرانی‌ها در آورده‌اید. قبلاً چنین چیزهایی نبود.

گفتم: بلکه یک سنت است که قبلاً به فراموشی سپرده شده بود. یک مسلمان که به خدا و توحید معتقد است، باید بیزاری خودش

را از مشرکان ابراز کند. مگر حضرت ابراهیم (ع) به مشرکان عصر خود، با صدای بلند، نگفت:

فَدَّ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَ
بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْنَكَ
تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (ممتحنه: ۴)

ما از شما و از بت‌هایی که می‌پرستید، بیزاریم و به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و

ص: ۴۶

شما دشمنی و خصومتی آشتی‌ناپذیر و همیشگی است، تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان آورید.

پس از اندکی تأمل گفت: خوب، آن حضرت ابراهیم (ع) بود و چندین هزار سال قبل، چه ارتباطی به ما دارد؟

گفتم: اتفاقاً اول آیه، دستور پیروی از ابراهیم (ع) و موحدان همراهش را می‌دهد و می‌فرماید: ابراهیم و مؤمنان به او در این شعار و عمل، برای شما الگو و اسوه عملی هستند:

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (ممتحنه: ۴)

یعنی شما مسلمانان نیز باید همچون حضرت ابراهیم (ع)، نسبت به کفار، ابراز برائت و بیزاری کنید.

گفت: مگر قرآن نمی‌گوید که در حج، نباید «فسوق و جدال» باشد؟ شما چرا شعار می‌دهید و تظاهرات می‌کنید؟

گفتم: البته مسلمانان در ایام حج، باید حریم حرم امن الهی را حفظ کنند و از نزاع و مشاجره

ص: ۴۷

پرهیزند و با هم درگیر نشوند.

این نسبت به یکدیگر است. ولی آیا نباید بیزاری خودشان را از دشمنان خدا و کعبه و قبله و حج ابراز کنند؟

به علاوه، ما که با کسی درگیر نمی‌شویم، ما فقط کینه و بیزاری خود را نسبت به کفر جهانی اعلام می‌داریم.

گفت: حج، یک عبادت است. این عبادت را نباید با شعارها و برنامه‌های سیاسی مخلوط کرد. اینجا باید نماز خواند و طواف کرد و

ذکر خدا گفت و قرآن خواند.

گفتم: به نظر شما مراسم اعلان برائت، یک عمل سیاسی است؟

گفت: صددرصد.

گفتم: مگر در سال نهم هجری، آیات اول سوره توبه

وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا

أَنَّكُمْ غَيْرٌ مُّعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (توبه: ۳) نازل نشد، و مگر پیامبر خدا (ص)، علی بن ابی طالب را مأمور نکرد

که این آیات را که اعلام بیزاری از مشرکان بود، در موسم حج بخواند و فریاد برائت را

ص: ۴۸

به گوش مشرکان برساند؟^(۱) گفت: چرا این در تاریخ اسلام آمده است.

گفتم: پس «برائت از مشرکان» هم دستور خدا در سوره توبه است، هم عمل ابراهیم خلیل (ع)، بنیانگذار کعبه است و هم رسول خدا (ص) به این برنامه عمل کرده است. کجای این کار، بدعت یا خلاف سنت رسول الله (ص) است؟ تازه، آنها که با برائت مخالفت می‌کنند یا در آن شرکت نمی‌کنند، سنت ابراهیم (ع) و سنت پیامبر اسلام (ص) را ترک کرده‌اند... به مقصد رسیده بودیم، ناچار کرایه را دادم و پیاده شدم. ولی راننده همچنان در فکر حرف‌هایی بود که از قرآن و سنت برایش گفته بودم.

۱- واحدی، اسباب النزول، ج ۱، ص ۴۵۳.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) - فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاء الله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳
به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
پیروان ما را دارد، اما تو در پچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

